فرهنگ قرآنى

مطالب اين بخش حاوى پاسخ به يك پرسش قرآنى است كه از ستاد نشر رسانه‏اى مركز فرهنگ و معارف قرآن اخذ شده است.

فلسفه آفرينش جهان خلقت چه بوده است؟

خداوند متعال در سوره انبياء، آيه 16 مى‏فرمايد: «و ما خَلَقنا السَّماءَ و الارضَ و ما بَينَهُما لعِبينَ»؛ و آسمان و زمين و آن چه را كه ميان آن دو است به بازيچه نيافريديم.

و در آيه 85 سوره حجر مى‏فرمايد: «و ما خَلَقنا السّموتِ و الأرضَ و ما بَيْنَهُما إلا بالحَقِّ...»؛ خداوند آسمان و زمين و آن چه را كه ميان آن دوست، جز به حق نيافريد.

در خلقت و آفرينش، دو هدف مى‏توان تصور نمود: نخست هدف متوسط، دوم هدف غايى و عالى. با مراجعه به آيات قرآن و روايات اهل بيت (عليهم‏السلام) روشن مى‏شود كه هدف متوسط، خلقت براى عبادت و بندگى خداست؛ اين مطلب در همه پديده‏هاى عالم سارى و جارى است. خداوند در آيه 44 سوره اسراء، درباره همه اشياء مادى عالم مى‏فرمايد: «... و إن ِمن شىٍ‏إلاّ يُسَبِّح بحمدِهِ ولكن لا تَفقهُون تَسبيحَهُم...»؛ همه موجودات تسبيح خدا مى‏گويند، اما شما تسبيح آن‏ها را نمى‏فهميد.

و درباره انسان و جن نيز در سوره ذاريات، آيه 56 مى‏فرمايد: «وَ مَا خَلقتُ الجِنَّ و الإنسَ إلاّ لِيَعبُدُونِ»؛ آفرينش انسان و جن براى بندگى است.

بنابراين از ديدگاه وحى، همه هستى تسبيح گوى ذات او هستند و مشغول عبادت، و عبادت هم هدف متوسط خلقت است.1

اما هدف عالى و غايى، وصول به مبدأ نور هستى است. يعنى منتهى اليه سير مخلوقات، اوست: «وَ أَنّ إلى رَبِّكَ المُنْتهى‏»؛2 انتهاى سير انسان به سوى پروردگار است.

«إنَّ إلى رَبّكَ الرُّجْعى‏»؛3 برگشت به سوى خداست.

«إنا لِله و إنا اِلَيه راجِعون»؛4 كه همگى اين آيات، غايت سير را روشن مى‏كنند. پس روشن شد كه هدف غايى خلقت، به كمال رسيدن همه موجودات و رسيدن انسان به مقام قرب الهى است.

در اين جا دو مطلب ديگر را نيز بايد مورد توجه قرار داد: نخست اين كه خداى تعالى، فياض به تمام معنا است، و باران رحمت او بر سر بندگان، هميشه مى‏بارد و مانعى هم براى آن نمى‏توان تصور كرد. به ديگر سخن، مقتضى موجود و مانع مفقود است، پس بايد خلق كند؛ چون لازمه ذات او خلاقيت و فياض بودن است.

دوم اين كه آيا خدا در آفرينش ذى نفع است يا نه؟ در پاسخ بايد گفت: منفعت و سود به خلق برمى‏گردد، نه به خالق؛ يعنى خدا ذى نفع نيست، يا به عبارت ديگر، ناقص نيست كه با اين كار به كمال برسد، بلكه سود به مخلوق برمى‏گردد.

من نكردم خلق تا سودى كنم‏

بلكه تا بر بندگان جودى كنم‏

به ديگر سخن، آفرينش نوعى احسان و فيض است از جانب خدا نسبت به مخلوقات؛ و چنين آفرينشى حُسن ذاتى دارد؛ و قيام به انجام فعلى كه ذاتاً پسنديده است، جز اين كه خود فعل زيبا باشد، به چيز ديگر نياز ندارد. بنابراين اگر كسى سؤال كند كه چرا خالق منان دست به چنين كار پسنديده بالذات زده است؟ در پاسخ بايد گفت: خداوند كه فياض على الاطلاق است، با توجه به اين كه مى‏توانست موجودى را خلق كرده و به كمال برساند، اگر چنين نمى‏كرد، جاى پرسش داشت كه چرا خداوند متعال با اين كه مى‏توانست موجودى را خلق كرده و به كمال برساند، اين كار پسنديده را انجام نداده است؟5

ممكن است اين پرسش نيز در ذهن انسان مطرح شود كه مگر خداوند نيازمند پرستش بندگان است؟

در پاسخ مى‏گوييم: همان طور كه مى‏دانيد، هدف از فعل، در خداوند متعال و انسان‏ها متفاوت است. هدف در افعال انسان عبارت است از: فايده‏اى كه هنگام فعل، انسان در نظر مى‏گيرد و براى رسيدن به آن تلاش مى‏كند. يعنى هدف انسان از فعاليت‏هايش رفع كمبودها و نيازمندى‏هاى خودش مى‏باشد. اما درباره خداوند نمى‏توان گفت كه هدف از فعل او تأمين نيازمندى‏ها و رفع نواقص است؛ زيرا خداى متعال به چيزى نياز ندارد تا براى تأمين آن كارى انجام دهد. او كمال مطلق است و هر كس هر چه دارد و هر بهره‏اى كه از هستى داشته باشد، از او گرفته است و در ذات خود فاقد چيزى نيست تا با انجام دادن كارى كامل شود؛ بلكه هدف از افعال خداوند، تناسب با ذات الهى داشتن يا رفع نياز بندگان است.

عبادت هم جزو اهداف آفرينش است و از اهداف متوسط براى رسيدن به كمال نهايى و غايى مى‏باشد و فايده عبادت، تنها عايد بنده مى‏شود و او را پرورش داده، از نقص به كمال مى‏برد و در عبادتِ بنده هيچ فايده‏اى براى خداوند متصور نيست.

بنابراين، همان طور كه اشاره شد، هدف غايى از آفرينش انسان، تكامل و وصول به رحمت الهى است و افرادى مى‏توانند از اين رحمت و فيض الهى استفاده كنند كه به نهايت درجه تكامل رسيده باشند. از اين رو، اثر تكامل، آرامش در سايه سار رحمت الهى است. خداوند در آيه 118 و 119 سوره هود مى‏فرمايد: «وَ لا يَزالُونَ مُخْتَلِفينَ\* إلاّ مَن رَحِمَ رَبُّكَ و لِذلِك خَلَقَهم»؛ آنان همواره در اختلافند؛ مگر آن چه پروردگارت رحم كند و براى همين (رحمت) آنان را آفريد.

كه اين باعث ورود به بهشت و زندگى جاويدان در آن جا مى‏شود.6

چنان كه مولاى متقيان مى‏فرمايد: «بى گمان، خداى سبحان دنيا را مقدمه‏اى براى زندگى پس از آن قرار داده است و آن را براى مردم بوته آزمونى شمرده است تا هر آن كه را نيكوكارتر است، باز شناسد. اين است كه ما براى دنيا آفريده نشده‏ايم و مأموريت مان تلاش در جهت آن نيست، بلكه براى آزمايش در دنيا نهاده شده‏ايم.»7

در پايان، مناسب است به «هدف نهايى» در كارهاى انسان نيز اشاره‏اى كنيم:

از ويژگى‏هاى هدف نهايى اين است كه هر چه باشد، چون و چرا نمى‏پذيرد. توضيح اين كه اگر از دانش آموزى بپرسيم: براى چه درس مى‏خوانى؟ مى‏گويد: براى اين كه به دانشگاه راه يابم. باز اگر سؤال كنيم: دانشگاه را براى چه مى‏خواهى؟ مى‏گويد: براى اين كه دكتر يا مهندس شوم. مى‏گوييم: مدرك براى چه مى‏خواهى؟ مى‏گويد: براى اين كه فعاليت مثبتى انجام دهم و درآمد خوبى داشته باشم. باز اگر بپرسيم: درآمد خوب را براى چه مى‏خواهى؟ مى‏گويد: براى اين كه زندگى آبرومند و مرفهى داشته باشم و سرانجام مى‏پرسيم: زندگى مرفه و آبرومند براى چه مى‏خواهى؟ در اين جا مى‏بينيم، لحن سخن او عوض مى‏شود و مى‏گويد: خوب براى اين كه زندگى مرفه و آبرومندى داشته باشم. يعنى همان پاسخ سابق را تكرار مى‏كند و اين پاسخ نهايى او به شمار مى‏رود. دليل آن هم اين است كه او همواره بر پاسخ پايانى خويش تأكيد خواهد كرد.

در اين جا هم وقتى گفته مى‏شود: هدف از آفرينش چيست؟ مى‏گوييم: براى تكامل انسان و دريافت رحمت خدا. اگر پرسيده شود: تكامل و قرب پروردگار براى چه منظورى است؟ مى‏گوييم: براى قرب به پروردگار! يعنى اين هدف نهايى است و همه چيز را براى تكامل و قرب مى‏خواهيم. اما قرب و دريافتِ رحمت، ذاتاً ارزشمند است و ماوراى آن خوبى ديگرى نيست.8

پى‏نوشت‏ها:

1- ر.ك: ترجمه تفسير الميزان، ج 18، ص 614 - 612.

2- نجم/ 42.

3- علق/ 8.

4- بقره/ 156.

5- همان، ج 8، ص 64-60.

6-ر.ك: آيت‏الله مصباح يزدى، معارف قرآن، 3-1، ص 179 - 155.

7- عبدالمجيد معاديخواه، فرهنگ آفتاب، (فرهنگ تفصيلى نهج البلاغه)، ج 1، ص 77.

8- ر.ك: آيت‏الله مكارم و ديگران، تفسير نمونه، ج 22، ص 393.